

نقش مشارکت در طراحی محیط روستایی

چکیده

محیط روستایی، بازتاب ماهیت فعالیت/ سکونت انسان در بستر زمان، بهره‌مند از کیفیت زیباشناسانه و کارکردهای زیست‌محیطی است. از طرف دیگر متأثر از دانش مکانی و فرهنگ بومی است. رشد سریع اقتصاد مصرفی و تأکید بر کارکرد، کم توجهی به ابعاد مختلف محیط روستایی، منجر به شکل‌گیری الگوهای ناتوان از بازتولید ویژگی‌های حاکم بر آن شده که ناپایداری ارمغان آن است. گسترش این وضعیت منجر به طرح ابعاد ناپایداری در ادبیات توسعه پایدار همراه با ارائه راه مقابله با آن شده است. اما کمتر به چگونگی انجام اقدامات برای دستیابی به پایداری پرداخته شده است. با توجه به ماهیت طراحی محیطی مبتنی بر اصولی مانند نگرش علمی پیوند نظام طبیعی و اجتماعی، کل‌گرایی و مانند آن، نمی‌توان محیط پایداری را بدون توجه به نقش گروه‌های ذی‌نفع در این فرایند طراحی کرد. بدیهی است که این نقش زمانی به کمال مطلوب خواهد رسید که بستر مناسب برای مداخله معنادار هدفمند و سودمند مردم فراهم شود. دستیابی به این مهم فقط در قالب طراحی مشارکتی امکان‌پذیر خواهد بود. مشارکت پاسخی به چگونگی اجرای اقدامات مورد توجه توسعه پایدار و ابزار بازتاب ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی در طراحی است. به همین دلیل مشارکت ضرورتی انکارناپذیر در دستیابی به محیطی پایدار به شمار می‌آید. اما این بدان معنا نیست که کمال غایی در گروه طراحی مشارکتی است. مشارکت ضمن برخورداری از پیامدهای مثبت متضمن آثار منفی و تعارضاتی است که باید مدیریت شوند. در این مختصر تلاش می‌شود بر اساس نتایج یک ارزیابی نقش مشارکت در تعالی طراحی محیط روستایی تبیین، پیامدها و تعارضات حاکم بر آن مطرح و نمونه‌هایی از آن ارائه شود.

کلید واژه

مشارکت، طراحی مشارکتی، محیط روستایی، منظر روستایی، منظر فرهنگی

سر آغاز

رشد و توسعه، منجر به گسترش نظام ماشینی و صنعتی شده که در آن عرضه و تقاضا اصل اساسی است. حاکمیت این نگرش منجر به تحولات گسترده در تمامی محیط‌ها از جمله محیط‌های روستایی شده است. بخشی از این تحولات به بافت کالبدی سکونتگاه‌های روستایی بازمی‌گردد که با مداخله گروه‌های بیرونی طراحی تشدید می‌شود. این مداخله در کشور به شکل طراحی‌هایی تحت عناوین مختلف مانند بهسازی، بازسازی، طرح‌های هادی و مانند آنها تجلی می‌یابد. اثرپذیری طراحی‌ها از تفکرات شهرگرا و کارکردی و تأکید صرف بر پاسخ به نیازهای جدید و گاه مصنوعی، منجر به بی‌توجهی و یا کم توجهی به انگاره‌های تاریخی، بازتاب‌های شرایط محیطی اجتماعی و اقتصادی در بافت کالبدی، نادیده‌انگاشتن دانش بومی، سنت‌ها و مانند آنها شده است. در گذشته این فرایند از روندی ارگانیک، حاصل پیوند

متقابل انسان با محیط تبعیت می‌کرد. در سالهای اخیر این فرایند متحول و از الگوهای تحمیلی پیروی می‌کند. الگوهای کم‌توجه به شرایط طبیعی که گاه با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی نیز در تضاد است. همین موضوع اغلب منجر به شکل‌گیری فرایندی از چرخه ناپایداری می‌شود. در تقابل با این فرایند طیف گسترده‌ای از تفکرات توسعه پایدار با هدف تعدیل و کاهش آثار این ناپایداری شکل گرفته است. در این ادبیات هشدارهایی در باره کم توجهی، یا بی‌توجهی به توسعه پایدار مطرح است و کمتر به چگونگی انجام اقدامات پرداخته می‌شود.

با توجه به اصول حاکم بر طراحی این فضاها مانند نگرشی دیالکتیکی مبنی بر پیوند متقابل محیط و اجتماع و نگرش کل‌گرا، نمی‌توان طراحی را صرفاً فعالیتی کالبدی و فیزیکی تلقی کرد. بلکه علاوه بر کالبدی بودن، موضوعی زیست‌محیطی به شمار می‌آید که در

فرهنگی نامید. منظر روستایی به عنوان منظر فرهنگی، حاصل فعالیت و نحوه برخورد گروههای روستایی در عرصه‌ای طبیعی - انسانی معین است.

از تاثیر متقابل "محیط طبیعی" و "محیط فرهنگی" در روستاها فضای خاصی فراهم میاید که معرف یک عینیت جغرافیایی یا واقعیت مکانی-فضایی است (راهب، ۱۳۸۶). این چشم‌انداز دارای دو بعد اساسی است:

- ۱- سیمای ظاهری که شامل وسعت، نحوه استقرار خانه‌ها، زمین‌های زراعی و سایر ویژگی‌های کالبدی است.
 - ۲- ریخت دورنی که معرف نحوه سازمان‌پذیری روابط و مناسبات اجتماعی-اقتصادی گروههای روستایی است.
- این دو بر بستر طبیعی بر پا می‌شوند و با توجه به پیچیدگی روابط و مناسبات فرهنگی - انسانی ویژگی‌های معینی به خود می‌گیرند، حاصل چنین فرایندی را می‌توان بافت روستایی نامید. بر این اساس در منظر روستایی نیروهای مختلف فرهنگی - تاریخی و اجتماعی - اقتصادی در برخورد با نیروها و عوامل محیط طبیعی موجب شکل‌گیری فعالیت‌ها و سازمان‌بندی خاص تولید و نیز صورت‌بندی واحدهای اقتصادی می‌شوند. این روند مبتنی بر کنش متقابل سیمای ظاهری و ریخت دورنی چشم‌انداز روستایی، به عنوان نوعی چشم‌انداز فرهنگی شکل می‌گیرد (سعیدی، ۱۳۸۷) که همراه است با:

- محیط با مردم؛

- گذشته با حال؛

- ویژگی‌های طبیعی (زیبایی، طبیعت، میراث تاریخی) با ارزش‌های مرتبط (اجتماعی و فرهنگی).

بنابراین می‌توان منظر فرهنگی را با فرم؛ مفهوم و کارکرد باز شناخت، و یا بر اساس دیدگاه "پایر" منظر فرهنگی متشکل از اجزای زیر است:

۱- ساختار یا فرم منظر مانند کاربری اراضی طبیعی - فیزیکی و محیطی، یا پدیده‌های ساخته شده انسانی که اغلب از نظر بصری قابل تشخیص است.

۲- کارکردهایی که توأم با فرایندهای بیوفیزیکی و استفاده انسانی است مانند خدمات زیست‌محیطی و فضای زیست، کار و گذران اوقات فراغت.

ذات خود بازتاب فعالیت اجتماعی- اقتصادی است. این فعالیت زمانی از شرایط نسبتاً پایدارتری می‌تواند تبعیت کند که بازتابی از ویژگی‌های محیطی، اجتماعی- اقتصادی و در عین حال زیباشناختی باشد. این مهم هنگامی تجلی می‌یابد که در تعامل با مردم و دانش بومی باشد. مشارکت مردمی در این فرایند می‌تواند فراهم‌کننده بستر مناسب برای انعکاس ذهنیت‌ها (نیازها و خواسته‌ها و ...) و عینیت‌ها (شرایط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و ...) باشد.

براساس ماهیت این موضوع می‌توان پاسخ سوال چگونگی دستیابی به پایداری در طراحی را در به‌کارگیری مشارکت نیز جست‌وجو کرد. طراحی مشارکتی فعالیت مبنی بر بازتوزیع قدرت در فعالیت‌های طراحی میان طراحان و افراد و گروههای ذی‌نفع محسوب می‌شود که با درهم شکستن روش‌های طراحی سنتی؛ بستری مناسب را برای مشارکت مردم به شیوه‌ای معنادار و عملی هدفمند به‌منظور پایداری محیطی فراهم می‌سازد. اما نباید فراموش کرد که طراحی مشارکتی چون شمشیری دولبه آثار و پیامدهای مثبت و منفی در بردارد که نیازمند مدیریت مناسب است. مدیریت مناسب زمانی شکل خواهد گرفت که طراح؛ ابتدا با مشارکت و سپس با پیامدها و آثار مشارکت آشنا بوده و از توانایی مدیریت تعارضات بهره‌مند باشد. به همین دلیل نیز در این تحقیق تلاش خواهد شد تا ضمن تبیین پیوند مشارکت و طراحی، آثار و پیامدها و در ادامه برخی از تعارضات روش‌های مشارکتی ارائه شود.

مبانی نظری

پیوند طراحی و مشارکت

هدف و حاصل طراحی، شکل‌گیری منظری خاص است. منظر بر اساس تعریف معاهده منظر اروپا، به عنوان محدوده‌ای قابل درک توسط افراد است که ویژگی‌های آن حاصل عمل و عکس‌العمل میان عوامل طبیعی، یا انسانی تلقی می‌شود (Council of Europe, 2000, Selaman, 2006, Antrop, 2005).

ماهیت نیروهای شکل‌دهنده منظر، آن‌را به دو منظر فرهنگی و طبیعی تفکیک می‌کند. منظر فرهنگی^۲ فضای محدودی است که عناصر انسانی و غیرانسانی، با هویت طبیعی و اجتماعی درهم آمیخته‌اند. به عبارتی دیگر منظر فرهنگی نتیجه و حاصل توالی بازسازمان‌یابی زمین و ایجاد ساختار فضایی بهتر برای پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر اجتماعی است (Vaccaroa, et al. 2008, Antrop, 2005). براساس این تعریف فضا و محیط‌های روستایی را می‌توان نوعی منظر

ضعف در بهره‌گیری از ظرفیت‌های محیطی، از هم گسیختگی و اغتشاش در کالبد معماری و فضاهای جمعی، بی‌توجهی به لزوم هماهنگی و ایجاد زبان مشترک طراح با مردم و ایجاد تغییرات غیرضروری دستخوش تغییراتی عمده شده است (علی‌الحسابی، ۱۳۸۷). منظر مطلوب، تجلی‌گاه مادی تعامل انسان و محیط توأم با ارزش‌های انسانی در زمان، مکان و ارزش‌های محیطی است. بدیهی است که دستیابی به وضعیت مطلوب در منظر و مداخله در آن، وابسته به ارزش‌های اجتماعی است (Vaccaroa, and Norman, 2008). این ارزش‌ها سرچشمه گرفته از دانش، هویت، سنت‌ها و مانند آن است. در حالت طبیعی، نمادها و ارزش‌ها طی زمان و متأثر از شرایط طبیعی و مکانی، عینیت کالبدی یافته و به شکل ارگانیک در منظر انعکاس می‌یابند. بنابراین توجه به محیط اجتماعی-اقتصادی به موازات محیط طبیعی ضروری است. بنابراین زمانی امکان طراحی پایدار و مطلوب وجود خواهد داشت که علاوه بر رعایت مسائل زیست محیطی؛ به نکات زیر نیز توجه شده باشد:

- براساس نگرش دیالکتیکی، توسعه فردی (هویت، ارزش‌ها و نیازها) در تبادل با محیط طبیعی و اجتماعی به دست می‌آید. بنابراین جامعه و منظر به عنوان نتیجه فرایند تبادل پویای بین افراد و محیط آنها درک می‌شود. به عنوان یک قاعده، برنامه‌ریزی منظر زمانی به اهداف خود دست خواهد یافت که بتواند با افراد محلی، افراد ذی‌نفع و ... مشارکت نماید. بدیهی است اگر عوامل اجتماعی و انگیزشی با برنامه‌ریزی منظر، حفاظت از طبیعت و اکولوژی یکپارچه نشود، فقط نیمی از وظیفه برنامه‌ریزی صورت گرفته و طرد برنامه در سطح محلی جای تعجبی نخواهد داشت (Luz, 2000).
- طراحی مبتنی بر کل‌گرایی است. اساس کل‌گرایی مبتنی بر نگرش سیستمی به پیوند میان نظام‌های انسانی و طبیعی است که می‌تواند به مفهوم کلیت اکوسیستم انسانی به عنوان بالاترین سطح از پیچیدگی تحول طبیعی و سلسله مراتب اکولوژیکی در سطح زمین واقعیت و عینیت بخشد.
- برنامه‌ریزی (طراحی) در ذات خود یک فعالیت اجتماعی است. با اجرای طراحی، آنها تبدیل به بخشی از فرایندهای تاریخی می‌شوند. بر این اساس هر

۳- ارزش‌ها یا معناها شامل کیفیت شناختی مانند ارزش‌های سیال منتسب به اجتماع، یا ویژگی‌های منظر که به صورت بالفعل و بالقوه ضروری شمرده می‌شود و ارزش‌های مادی مانند هزینه‌های نگهداری کشاورزی سنتی (Selaman, 2006).

بر همین مبنا نیز یونسکو سیمای فرهنگی را به سه گروه عمده تفکیک می‌کند که عبارتند از:

الف- منظر طراحی و ایجاد شده توسط انسان^۳، همانند پارک‌ها و باغهای طراحی شده با اهداف زیبایی‌شناسی، که اغلب توأم با یادمان‌های مذهبی و تاریخی است.

ب- منظر تحول‌یافته ارگانیک^۴ که مبتنی بر ضرورت‌های اجتماعی، اقتصادی، اداری، یا مذهبی توأم با واکنش به محیط طبیعی آن است. این منظر بر اساس فرایند تحول به دو زیر گروه طبقه‌بندی می‌شود: ۱- منظر بقا یافته قدیمی^۵ که فرایند تحول آن در گذشته به پایان رسیده اما در حال حاضر قابل رؤیت است.

۲- منظر تداوم‌یافته^۶ که در بردارنده نقش اجتماعی در جامعه معاصر توأم با روش‌های زندگی سنتی است که فرایند تحول آن تداوم دارد.

ج- منظر فرهنگی توأمان^۷ که شامل مناظر موجود در فهرست میراث فرهنگی جهان است (Rössler, 2003).

محیط‌های روستایی کشور را می‌توان مصداق بارز منظرهای تداوم یافته تلقی کرد. محیط‌هایی که به دلیل شکل‌گیری فضای مصرفی سالهای اخیر دچار تحولات متعددی شده‌اند (Antrop, 1999, Meekes, and Vos, 2005). در این فضا، منظر از فضای مولد به سمت منظر در حال تغییر است که با بنیان اقتصادی نو به اجتماع شهری پیوند خورده است. این پیوند موتور محرکه تحول در منظر را فراهم ساخته است. همین امر مؤید آن است که با وجود تلاش‌های انجام شده، توسعه آن پایدار نیست. فرسایش بیولوژیکی و زیبایی‌شناسانه منظر و از دیدگاه علوم اجتماعی، افزایش شهرنشینی با ویژگی‌های حاکم بر آن و جایگزینی ساختار مدرن و شهری به جای ساختار سنتی و روستایی نماد این عدم پایداری است (Linehan, and Meir, 1998, Buchecker, et al., 2003).

تحولاتی در حال وقوع است که الزاماً از روندی مطلوب برخوردار نیست. رواج نگرش و دیدگاه‌های نو توسعه کالبدی روستاها منجر به ایجاد ساختاری متفاوت در بافت و کالبد روستایی شده است. سازمان کالبدی سکونتگاه‌ها به دلایل عدم تسلط طراحان (معمار) به طراحی روستا، بی‌اعتنایی به هویت کالبدی محیط، ترویج الگوهای غیربومی،

بنیان اقتصادی منظر را تغییر می‌دهد (Meekes and Vos, 1999).

- بسیاری از راه‌حل‌های مشکلات، ریشه در سطح محلی دارند و اهداف در سطوح بالا زمانی قابل دستیابی است که فعالان محلی و ناحیه‌ای از آن حمایت کنند (Meekes and Vos, 1999). مجموعه شرایط دلالت بر آن دارد که برنامه‌ریزی و طراحی هنگامی می‌تواند به سمت تعالی و کمال مطلوب رهنمون شود که ضمن آگاهی از ارزش‌ها و سرمایه‌های طبیعی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و محیط مصنوع، از آنها به نحو مطلوب بهره‌مند شود. از سوی دیگر در هر یک از عرصه‌های فوق نقش‌آفرینان مختلف با قواعد متنوع حضور داشته و بر آن اثرگذارند. طراحی منظر پایدار مستلزم فراهم ساختن بستر مناسب برای حضور این نقش‌آفرینان و انعکاس صدای آنها در عرصه طراحی است. مشارکت مؤثرترین ابزاری است که می‌تواند بستر مناسب برای تدوین راهبردها، شناسایی نیازهای محلی و منظر، شناسایی منابع و ارزیابی امکانات، تعیین نیازها، طراحی، توسعه، اجرا و سپس نگهداری و حفاظت از آن را فراهم سازد. با مشارکت مردم محلی و نقش‌آفرینان مؤثر در این عرصه، شرایط مناسبی می‌تواند برای پایداری محیط و منظر روستایی پدیدار شود.

سابقه مشارکت

مشارکت طی دهه‌های اخیر به موضوع مهمی در برنامه‌ریزی منظر تبدیل شده و تقاضا برای مشارکت مردمی و افراد ذی‌نفع بویژه توأم با بحث‌های توسعه پایدار و منظرهای چند کارکردی افزایش یافته است (Buchecker, et al., 2007). شکل‌گیری مشارکت به موضوعاتی مانند دموکراسی، انتقاد از فرایندهای رشد و توسعه، آثار انقلاب سبز و مانند آن باز می‌گردد. اما مشارکت مرتبط با منظر به افزایش اطلاعات اجتماعات محلی در ابتدای دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد که منجر به درگیری مستقیم مردم در تعیین و تعریف محیط آنها خواهد شد و با افزایش حس مسئولیت اجتماعی، حرکات جدیدی شکل می‌گیرد. مشارکت تحت تأثیر مدل برنامه‌ریزی و مداخله تدافعی "پل دیوید" شکل گرفته و بسیاری از طراحان و برنامه‌ریزان متخصص اقدامات سنتی را رد کرده از مسائلی همچون توسعه مجدد

اقدامی در مقطعی زمانی تبدیل به نشانه‌ای می‌شود که می‌تواند هدایت‌کننده اقدامات بعدی باشد. بنابراین به هر میزان این نشانه در مقطعی از زمان کامل‌تر باشد گام‌های بعدی از کمال بیشتری برخوردار خواهند شد. چنان‌که مک‌کی اشاره می‌کند که محیط، حاصل تولید تاریخ است (Marcucci, 2000).

- پایداری تعامل میان اجتماع محلی و زمین فقط از طریق مداخله دولت (افراد بیرونی) امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر تعامل میان این دو به تداوم مداخله اجتماع محلی بستگی دارد. اتحاد روح اجتماع محلی برای حفاظت از تنوع زیستی توأم با استفاده پایدار از منابع در بستر ناحیه‌ای، روش حیاتی برای اطمینان از پایداری و بقای کارکردهای اکولوژیکی و خدمات و مداخله افراد ذی‌نفع است که با چارچوب مشروع اجتماع محلی تطابق دارد (Stenseke, 2009). براساس مطالعات انجام شده توسط شولتز و دیگران این نتیجه استنتاج می‌شود که اثربخشی مداخلات مختلف، به ویژگی‌های جامعه که برنامه در آن اجرا می‌شود بستگی کامل دارد. بنابراین استراتژی انتخابی باید مبتنی بر خروج ضروری مورد نیاز و ویژگی جمعیت هدف باشد (Matthies, and Krumker, 2000).

- فشارهای وارده بر منظر مرتبط با شهرگرایی، بهبود زیرساخت‌ها افزایش تقاضا برای گذران اوقات فراغت، حفاظت از محیط و سایر موارد مشابه است. از این‌رو پویایی و پایداری کیفیت منظر تنها زمانی تضمین خواهد شد که دیدگاه‌های تمامی فعالان عرصه منظر مانند کشاورزان، مدیران کشاورزی و منابع آب، پیش‌تازان گذران اوقات فراغت، برنامه‌ریزان فضایی و دیگران مورد توجه قرار گیرد (Meekes, and Vos, 1999).

- بنیان‌های اقتصادی پیش شرط اصلی برای پایداری آینده است (Meekes, and Vos, 1999).
- توسعه منظر امروزی تک‌جهتی نیست و ویژگی‌های آن عبارت است از تغییر سریع در تولید و فناوری اطلاعات، به همین ترتیب تقاضا از سوی جامعه که

از زاویه دید اول انگیزه مشارکت مردم عبارت است از افزایش احتمال موفقیت پروژه در دستیابی به اهداف. مشارکت مردم به صورت فعال در برنامه‌ریزی و اجرا تضمین موفقیت را افزایش خواهد داد. مشارکت، پذیرش موضوعات ترویج شده توسط افراد غیر بومی را تسهیل می‌کند، ضمن این‌که امکان بهره‌برداری از دانش و نیروی کار بومی، کمک‌های مالی و انواع همیاری‌ها را افزایش داده و به کاهش هزینه اجرا منجر می‌شود.

از زاویه محوری بودن مردم، مشارکت ابزار و هدف محسوب می‌شود. مشارکت ابزاری است برای دستیابی به نیازهای مشخص شده محلی و بازتوزیع منابع محدود. اما در ذات خود دارای ارزش و فرایند توانمندسازی افراد از طریق افزایش ظرفیت مدیریت محلی، افزایش اطمینان به ظرفیت‌های بومی و افزایش آگاهی‌های مشترک است (Michener, 1998). نظریه‌ها و اقدامات عملی توانایی‌هایی مشارکت را در پنج جمله زیر خلاصه کرده‌اند:

- ۱- برای حل مشکلات طراحی و برنامه‌ریزی هیچ راه بهتری وجود ندارد.
- ۲- تصمیمات متخصصان الزاماً بهتر از تصمیمات غیرمتخصصان نیست.
- ۳- وظیفه برنامه‌ریزی می‌تواند شفاف شود.
- ۴- تمام افراد و گروه‌های ذی‌نفع می‌باید در فضای آزاد گرد هم آیند.
- ۵- فرایندها تداوم داشته و به‌طور دائم در حال تغییرند (APA, 2006).

بدیهی است که طراحی نیز از مباحث مشارکتی و اصول حاکم بر آن متأثر است. نتایج مثبت مشارکت موجب شده است تا استفاده آن در طراحی منظر نیز ضرورت یابد. به‌کارگیری مشارکت در فرایند طراحی منظر، فرصت‌های مناسبی برای استفاده از امکانات و توانایی‌های مکانی و مردم برای شکل‌دهی به منظر پایدارتر را فراهم می‌سازد.

بر این اساس لزوم آموزش به مردم به‌منظور حفظ و ایجاد تغییرات مثبت در محیط روزانه، مدیریت منافع متضاد اقتصادی و اجتماعی مردم و گروه‌های محلی، فشارهای شدید بیش از ظرفیت محیط، ضرورت توانمندسازی مبتنی بر مشارکت در طراحی به‌منظور پایداری، وجود بازیگران مختلف توأم با روابط خاص آنها با محیط، بهره‌گیری از دانش‌های مختلف توأم با دیدگاه و آرای مردم، مشارکت و به‌کارگیری آن را در فرایند طراحی الزامی می‌سازد.

شهری؛ حقوق شهروندان فقیر و توسعه روش‌های مشارکت شهروندی دفاع کردند.

برنامه‌های ملی دهه ۱۹۶۰ مانند برنامه اجرای اجتماع محلی و شهر نمونه، مشارکت شهروندان را بهبود بخشیده و برنامه‌های مشارکتی را تشویق کرد. با این برنامه افراد خارج از چرخه برنامه‌ریزی مجاز به تصمیم‌گیری در باره برنامه‌ها و بار مالی آنها شدند. شهروندان حق مشارکت در فرایندهای برنامه‌ریزی و اجرا را یافتند. در ایالات متحده ایده طراحی مشارکت در دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد که در آن مداخله و مشارکت کاربران نهایی و همچنین شهروندان داوطلب تبدیل به موضوعی کلیدی شد.

آزادی و حق تصمیم‌گیری در امریکا شکل‌دهنده بنیان‌های دموکراسی و همچنین حق مشارکت مردمی است (Sanoff, 2007). در سال‌های بعد گسترش کاربرد مشارکت منجر به ارائه تعاریف متفاوتی از مشارکت با دو برداشت کلی مشارکت به عنوان ابزار و هدف شد. در تلقی اول، مشارکت به عنوان ابزاری است برای رشد آگاهی‌های اجتماعی و تشویق پیشگامی در فعالیت‌های محلی، به نحوی که ساختار تصمیم‌گیری محلی باید مداخله بومیان در موضوعاتی را که به‌طور مستقیم با نیازهای آنان مرتبط است تشویق و تسهیل کند. (Omiya, 2000, United Nation, 1990, Bass, 1995, Samuel, 1987) برداشت دوم مشارکت را به عنوان هدف تلقی و آنرا تعریف می‌کند. از جمله طرفداران این گروه می‌توان به کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین (اکلا)، اوما لیله Uma Lele، اویف Uphoff، کوهن Kohen، پیرس Pears رابرت چمبرز Chambers، پل ساموئل Samuel رحمان، گوردو Guaraldo پیتر اوکلی، کلی Okli Kelly و استوری Story، 1999 اشاره کرد (ECLA, 1973, Uma, 1975, Kohen & Uphoff, 1979, Rahman, 1981, Pears, 1979, Chambers, 1994, Kelley, and Vlaenderen, 1995, Guaraldo, and Mourisa, 1996, Story, 1999).

در این برداشت، مشارکت به عنوان مجموعه روش‌ها و فرایندها، نگرش‌ها و فعالیت‌هایی گفته می‌شود که منجر به افزایش توانایی‌های مردم شده و در کنترل عوامل تأثیرگذار بر محیط زندگی؛ آنها را یاری می‌کند. در فرایند طراحی مشارکتی نگرش به مشارکت از دو زاویه قابل بررسی است:

- مشارکت با محوری بودن برنامه‌ریزان/طراحان،
- مشارکت با محوری بودن مردم.

امید بخشی سطح بالاتری محسوب شده و به افراد اندکی بیشتر از مرحله سطح نمادین امکان مداخله می‌دهد ولی هنوز قدرت تصمیم‌گیری به افراد در رأس قدرت محدود می‌شود. افراد در مراحل بالاتر تا حدودی درگیر تصمیم‌گیری می‌شوند. همیاری به افراد اجازه مذاکره و تعامل با دارندگان قدرت سنتی را می‌دهد. در سطح قدرت نمایندگی و شهروندی به‌طور مشخص دولت کنترل شده و در این مرحله شهروندان فاقد قدرت، کرسی‌های تصمیم‌گیری را کسب می‌کنند، یا قدرت مدیریتی به دست می‌آورند (Eklund, 1999).

علاوه بر این اشکال دیگری از طبقه‌بندی مشارکت وجود دارد که به می‌توان به طبقه‌بندی کوهن و اوپف، وایت، دشلر و ساکس و دیگران اشاره کرد (Michener, 1998).

طراحی نیز از چارچوب کلی حاکم بر طبقه‌بندی‌های فوق به‌دور نیست و در عمل درک و فهم مشارکت طیف وسیعی از روابط قدرت و سطح اثرگذاری مردم محلی را در بر می‌گیرد. مشارکت برای توضیح سطوح مختلف؛ از ارائه اطلاعات، ارتباطات یکطرفه نمایندگان دولت با مردم، و تا کنترل شهروندی را می‌پوشاند. در نهایت مشارکت به مفهوم تفویض قدرت مدیریت به اجتماعی محلی است که توضیح‌دهنده طیفی از اشکال ممکن مشارکت محلی در مدیریت سیمای سرزمین به شرح زیر است:

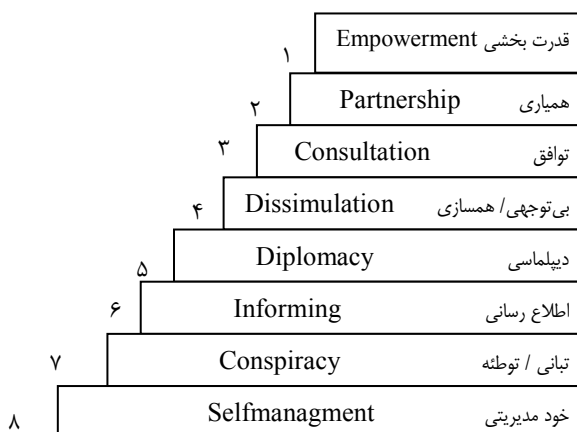
- **حداقل مشارکت^{۱۰}** که در بردارنده اطلاعات، یا فرایندی از مشاوره است. در این مرحله نمایندگان بیرونی، مسئله و راه حل آن را تعریف کرده و الزامی به تعدیل آن بر اساس واکنش مردم ندارند
- **مشارکت با مشوق‌های مادی^{۱۱}** که در آن مردم به وسیله فراهم کردن منابع مانند نیروی کار، یا دسترسی در مقابل مشوق‌های مالی مشارکت می‌کنند.
- **مشارکت متقابل و فعال^{۱۲}** جایی که مردم با ورود به مرحله تحلیل مشارکت می‌کنند که منجر به برنامه اجرایی و افزایش ظرفیت اجتماعی، نهادی و افزایش کنترل اجتماعی می‌شود.
- **تحرك درونزا^{۱۳}** که در آن مردم محلی مستقل از نهادهای بیرونی پیشگام شده اند (Stenseke, 2009). در این روش مردم بدون مداخله نهادهای بیرونی اقدام به طراحی و مدیریت محیط می‌کنند.

مهم‌ترین تجربه این شکل از طراحی عبارت است از این‌که طراحی مشارکتی چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را مرتبط با توسعه انسانی برای تمامی ذی‌نفعان ایجاد می‌کند (Carroll, and Rosson, 2007).

سطوح مشارکت

با توجه به برداشتهای متفاوت، طبقه‌بندی بسیار متفاوتی نیز از سطح و ماهیت مشارکت ارائه شده است (Guaraldo, and Marisa, 1996, Michener, 1998, Bass, 1995, Eklund, 1999, Pijnenburg, and Nhantumbo, 2002) که از حداقل کمک افراد ذی‌نفع به انجام پروژه می‌تواند آغاز تا آخرین سطح آن یعنی توانمندسازی^۸ مداوم داشته باشد.

مهم‌ترین گونه‌شناسی مشارکت، طبقه‌بندی "آرنشتاین" است. او به طیفی ۸ سطحی از مشارکت به عنوان نردبان مشارکت اشاره می‌کند (نمودار شماره ۱). مشارکت از نظر او بدون بازتوزیع قدرت مفهومی ندارد. او تیپولوژی مشارکت را بسط داده و بر مبنای میزان گسترش قدرت شهروندان، هر بخش را از یکدیگر تفکیک می‌کند. مراحل پایینی نردبان مشارکت به عنوان مرحله غیرمشارکتی تعریف می‌شود که اهداف واقعی، نه توانمندسازی مردم بلکه امکان آموزش افراد فاقد قدرت توسط افراد صاحب قدرت است. پله‌های سوم و چهارم به عنوان "سطوح نمادین"^۹ به فقرا امکان می‌دهد صدای دیگران را شنیده و صدایشان شنیده شود. با وجود این فقدان قدرت باعث می‌شود که آنها مطمئن باشند نگرش‌های آنان توسط قدرتمندان مورد بی‌اعتنایی قرار خواهد گرفت.



نمودار شماره (۱): طبقه بندی آرنشتاین از مشارکت (Eklund, 1999)

پیامدها و تعارضات روش‌های مشارکتی

مشارکت ضمن برخورداری از مزایای زیاد، بی بهره از پیامدهای منفی نیست. مشارکت دارای پیامدهای متفاوتی است که دو گروه از پیامدها قابل تفکیک است:

- پیامدهای مشارکت به عنوان ابزار؛
- پیامدهای مشارکت به عنوان هدف.

در گروه اول ماهیت پیامدها با توجه به نوع نگرش به مشارکت مورد توجه قرار گرفته و بر این مبنای امکان طبقه‌بندی پیامدها وجود دارد. در این گروه می‌توان پیامدها را به شرح زیر برشمرد:

کاهش هزینه، پایداری پروژه‌ها، افزایش کارایی و افزایش بهره‌وری، بهبود طراحی پروژه‌ها، توزیع مناسب‌تر منابع، تحرک بخشی به منابع، افزایش پذیرش پروژه‌ها، تضمین موفقیت برنامه‌ها، تسهیم هزینه‌ها، کسب اطلاعات لازم از محل، ارزیابی متناسب علت‌ها و نیازها، برنامه‌ریزی هماهنگ با واقعیت‌های محلی، انتخاب گزینه‌های متناسب با شرایط و نیازهای مردم، ایجاد احساس مالکیت (Sammuel, 1987; Omiya, 2000; Bamberger, 1988; Scharma, 2000).

زمانی که مشارکت به عنوان هدف مطرح است، خواسته‌ها از مشارکت و پیامدهای آن اگرچه محدودتر ولی اساسی‌تر است. این پیامدها را می‌توان به شرح زیر تفکیک کرد:

تعدیل توزیع قدرت در جامعه، ایجاد قدرت کنترل منابع، تحرک بخشی به جامعه و اجتماعات، بستر سازی برای استقرار در نظام برنامه‌ریزی طراحی دموکراتیک، بستر سازی تغییر ساختار در نظام تصمیم‌گیری، سهیم کردن مردم در منابع کمیاب، ایجاد فرصت تحول برای گروه‌های فرودست، نهادسازی، تمرکززدایی، آموزش، ایجاد هم‌پیمانی بر سر راهبردها، دستیابی به اهداف و شکستن چارچوب سنتی، ممانعت از هزینه‌های قضایی (Bass, 1995, Buchy, and

Hoverman, 2000, Omiya, 2000, Commission Of Spatial Development in Baltic Sea Region, 1998, Pijenburg, and Nhantumbo, 2002)

این پیامدها به صورت عام در مورد طراحی مشارکتی منظر نیز مصداق دارد. اما در طراحی، پیامدهای دیگری نیز وجود دارد که بیشتر توانایی‌های طراحی مشارکتی را روشن می‌سازد:

۱- مشارکت اطمینان از برنامه‌ریزی و مدیریت مؤثر منظر آینده فهم درک مردم از محیط و تغییر و حمایت از آن را ایجاد می‌کند (Meekes, and Vos, 1999).

۲- مشارکت در منظر به کاهش تضادها، مدیریت کارا و منعطف‌تر، افزایش مشروعیت، استفاده دانش ویژه مکانی منجر می‌شود (Stenseke, 2009).

۳- مشارکت به تعریف خوب مشکلات در طراحی منجر شده و به این ترتیب موفقیت طراحی را بیشتر تضمین می‌کند.

۴- جنبه حیاتی دیگر مشارکت عبارت است از پذیرش دانش و یادگیری. پذیرش منابع مختلف دانش و اشکال مختلف آن، بویژه دانش ایجاد شده حاصل تجربه در بستر محلی که بخشی از دانش علمی است. اگر فرایند یادگیری مشارکتی تشویق شود و ذی‌نفعان برای مشارکت در یافتن راه‌حل‌های سازگار با شرایط محلی تهییج شوند به احتمال زیاد قرین به موفقیت خواهد بود.

۵- در مقام پیش شرط‌های موفقیت، عوامل بستر به مفهوم مکان و موفقیت خاص می‌تواند نقش حیاتی داشته باشند. مشارکت موجب پذیرش شرایط انحصاری هر ناحیه و منظر می‌شود (Stenseke, 2009).

۶- مشارکت عمومی می‌تواند ضمن ایجاد سرمایه اجتماعی، به تقویت جامعه مدنی، بهبود توانایی جوامع محلی برای حل مشکلات و تعقیب ملاحظات و مسائل عمومی و مشترک اثرگذار باشد (Santos and et al, 2006). همواره مشارکت نتایج مثبت به دنبال نداشته و برعکس گاه می‌تواند نتایج کاملاً منفی را نیز به بار آورد. همانطور که سلمان (۲۰۰۴) اشاره می‌کند، سوال اصلی که در هر مورد باید پرسیده شود عبارت است از این که "آیا مشارکت واقعاً در پایداری نقش دارد؟".

مشارکت مردم محلی نباید به عنوان راه حلی ساده بدون عواقب تلقی شده بلکه باید تحلیل شود. با پاسخ به سئوالات: چرا، چگونه، و برای چه کسی؟ مشکلات و نتایج روزافزون مشارکت مردم محلی باید روشن و مورد بحث قرار گیرد (Stenseke, 2009).

از جمله نتایج منفی مشارکت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- یکی از اساسی‌ترین مشکلات، غلبه بر تفاوت‌های، قدرت موجود است. تعامل با این تضادها اغلب به‌طور اجتناب‌ناپذیر زمان کار با گروه‌های ناهمگون رخ می‌دهد و مستلزم صرف زمان و دقت زیادی است.

بنابراین تعیین و تعریف هدف و مبنای فکری و تعادل میان نگرش‌ها برای دستیابی به موفقیت اغلب چالش بزرگی محسوب می‌شود. از سوی دیگر عدم درک و لحاظ نکردن این تفاوت‌ها و گاه تضادها اجرای برنامه را با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد ساخت (Nicholas, 2002).

طراحی و بویژه مشارکت می‌تواند در پایداری این منظر نقش تعیین کننده‌ای ایفا کند. اما سؤال اساسی این است که تاچه حد به مشارکت در چارچوب طراحی منظر پرداخته شده است.

به این منظور چند شاخص مبین آثار مشارکت انتخاب شده که از مطالعه ارزیابی آثار طرح هادی استخراج شده است. به منظور انتخاب نمونه‌ها در این مطالعه از نمونه‌گیری احتمالی استفاده شده است. سپس روستاهای نمونه با توجه به اثر عوامل طبیعی و اکولوژیک در توزیع روستاها بر مبنای پهنه‌بندی اقلیمی مرتضی‌کسمایی و با توجه به

روش $E=(C+D)/Z$ که در آن $C = \frac{A}{\sum A} * 100$ و $D = \frac{B}{\sum B} * 100$ انتخاب شده است. در فرمول یاد شده A نشان‌دهنده تعداد آبادی و B مساحت هر پهنه است، که ۲۵ روستا از کل جامعه آماری (۶۷۰ آبادی) را در بر می‌گیرد.

برای اثبات نقش مشارکت در بهبود کیفیت و پایداری طراحی بافت کالبدی روستایی تلاش شد تا شاخص‌ها مراحل متفاوتی از شناخت تا مدیریت اجرایی را در برداشته باشند. به این منظور از ۹ شاخص استفاده شد که این شاخص‌ها عبارتند از:

- پیش‌بینی سوانح طبیعی؛
- فضاهای تاریخی موجود در بافت؛
- تحلیل و طراحی شبکه معابر؛
- سمت توسعه فیزیکی روستا؛
- نگرش حاکم؛
- واقع‌گرایی؛
- ضوابط و معیارها؛
- اولویت‌های اجرایی؛
- مدیریت اجرایی.

یافته‌ها و نتایج تحقیق

نتایج حاصل مشارکت، یا عدم مشارکت بر اساس شاخص‌های انتخابی به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است:

پیش‌بینی سوانح طبیعی

در شناخت و تحلیل سوانح طبیعی مشارکت در ابعاد مختلف می‌تواند جلوه‌گر باشد. یکی از این موارد شناخت و پیش‌بینی سوانح طبیعی زلزله، سیل، رانش، لغزش و مانند آن است. برای شناسایی این سوانح روش‌های علمی وجود دارد که در کنار آن دانش بومی نیز از توان مناسبی برای شناسایی این سوانح برخوردار است. در صورت بذل

۲- روشن‌ترین مشکل مشارکت صرف وقت و هزینه‌بر بودن آن است.

۳- مهم‌ترین دام مشارکت محلی عبارت است از این فرض متعصبانه که اجتماعات محلی واحدهای کوچک دارای جمعیت همگن هستند. غفلت از روابط قدرت بین مردم محلی و افراد و تمرکز بر چگونگی تسهیل فرایند تعامل، منجر به غفلت از عوامل اصلی و بویایی کانونی، همچون تغییرات جمعیتی، توسعه فنی و بازار می‌شود.

۴- اجرای بی احتیاط مشارکت محلی ممکن است منجر به ایجاد تضاد در اجتماع محلی با آثار بلند مدت بر روابط و ظرفیت مشارکت محلی شود (Stenseke, 2009).

۵- از دیگر پیامدها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: صرف وقت، بیهودگی در صورت بی‌توجهی به تصمیمات، ارائه نادرست، از دست دادن مشروعیت در مقابل تصمیمات ناخواسته، خطر تحت تأثیر قرار گرفتن تصمیمات توسط گروههای مخالف، ایجاد تعارض و نگرانی، امکان اخذ تصمیمات نادرست که از نظر سیاسی غیر قابل اغماض است (Santos and et al, 2006).

۶- افراد آکادمیک عقیده دارند مشارکت در عمل و در هیچ کجا به شکل فرایند پایین به بالا و فرایندی باز که به صورت عام از آن دفاع شود، وجود ندارد. مشارکت ایده‌آل و نظری، اغلب فاقد کارایی است و به عنوان ابزاری برای آزادی و توزیع قدرت، در مفهوم پیشنهادی آن وجود ندارد (Christians and et al., 2006). در حالی که مشارکت عبارت است از راه حلی برای پاسخگویی به مجموعه نارسایی‌ها در تصمیم‌سازی‌های دولت‌های محلی (Beebeejaun, 2006).

مواد و روش‌ها

نقش مشارکت در طراحی کالبدی روستایی

در سطح روستاهای کشور طرح‌های کالبدی متفاوت طراحی و اجرا شده است که گسترده‌تر از همه طرح‌های هادی روستایی است. بر اساس اصول طراحی منظر پیش‌بینی می‌شود در این طرح‌ها به مشارکت توجه لازم شده باشد. وجود این مشارکت در مواردی مورد توجه است اما رکن کلیدی را تشکیل نمی‌دهد، ضمن این‌که از اصول و روش‌های مذکور طراحی منظر استفاده چندانی نشده است.

بر اساس هدف تهیه و اجرای طرح هادی روستایی که فراهم ساختن بستر کالبدی توسعه روستایی است، تحول و تغییر منظر روستایی شکل می‌گیرد. همان‌گونه که بیان شد توجه به مبانی اصولی

منجر به تغییر متناسب و پایدار در ساختار کالبدی روستا شده بافتی منسجم و یکپارچه، منطبق با نیازها را فراهم و تفاوت میان الگوی طراحی شده و الگوی اجرا شده را کاهش دهد.

سمت توسعه فیزیکی روستا

از جمله مصداق عینی تعیین کننده مشارکت، در تعیین سمت توسعه آتی روستا در الگوی طراحی بافت کالبدی جلوه می‌یابد. به هر میزان که مشارکت مردم افزایش یافته است میزان همسویی انتخاب سمت توسعه فیزیکی روستا با گرایش‌های مردمی انطباق بیشتری داشته است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲).

این موضوع موجب تطبیق وهماهنگی میان خواسته‌ها و طراحی (از اصول بنیادین مشارکت) شده است، از سوی دیگر جلسات مشارکتی منجر به آموزش مردم شده و بهبود رفتار آنها در مقابل منابع در دسترس روستاییان می‌شود.

این درحالی است که به دلیل عدم بهره‌مندی از روش‌های مشارکتی و عدم توجه به اصول طراحی منظر در شناخت، تحلیل و در نهایت طراحی منجر به تناقص‌هایی شده که پایداری طرح را خدشه‌پذیر می‌سازد.

نگرش به طراحی بافت کالبدی

طراحی منظر همان‌گونه که پیشتر عنوان شد از اصول خاصی تبعیت می‌کند. ولی به دلیل حاکمیت تفکر فن سالارانه و شهرگرا در طراحی بافت روستایی، طراحی کالبدی بشدت متأثر از تفکر شهرگرا و فارغ از واقعیت‌های مکانی و زمانی کرده است. بررسی انجام شده حکایت از آن دارد که عوامل فیزیکی در طراحی نقش تعیین کننده داشته‌اند. ۷۰/۶ درصد از فراوانی مشخصه‌های بررسی شده در طرح‌های نمونه انتخابی مؤید نظریه مذکور است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲). در حالی که طراحی، فعالیت صرف فیزیکی نیست. عدم استفاده از مکانیزم مناسب مشارکت از علت‌های اصلی این نوع نگرش فیزیکی، علیرغم ساختار مطالعاتی طرح هادی است. از سوی دیگر بی‌توجهی به مبانی اجتماعی و اقتصادی شکل‌دهنده کالبد منجر به طراحی الگوهای کالبدی انتزاعی و فارغ از زمان و مکان می‌شود که نتیجه آن عدم توجه به الگوهای بافت روستایی موجود است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲). این خود به دو دلیل اصلی است:

۱- عدم توجه به اصول طراحی منظر،

۲- بی‌توجهی به مشارکت مردم که باعث توجه صرف به مسائل کالبدی و فیزیکی شده است.

توجه به مشارکت امکان دریافت اطلاعات از سوابق، نشانه‌ها و آثار این اتفاقات و مانند آن وجود دارد تا بر اساس آن طراح تمهیدات لازم را به منظور پایداری محیط پیش‌بینی کند.

بررسی نشان می‌دهد که در طرح‌های هادی خطرهای تهدیدکننده احتمالی روستاها بخوبی بررسی نمی‌شود (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲). درحالی که مشارکت مردمی سهولت می‌تواند بستر لازم برای درک این خطرها را فراهم سازد، به این فرصت توجه چندانی نمی‌شود.

فضاهای تاریخی موجود در بافت

فضاهای تاریخی در بافت کالبدی حکم نگین انگشتی بر هویت کالبدی سکونتگاهها، بویژه سکونتگاههای روستایی دارند که اغلب به دلایل مختلف نیز مورد توجه مردم است. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود طراح در مراحل مختلف شناخت تا طراحی برای تقویت هویت کالبدی توجه ویژه‌ای به آن مبذول کند. عدم توجه لازم، همچنین پرهیز از جلب مشارکت در حد دریافت اطلاعات منجر شده است تا بررسی وضعیت فضاهای تاریخی در طرح‌های هادی نشان دهد که طرح‌های یادشده برخوردی سطحی و گذار با این موضوع داشته‌اند (بنیاد مسکن، ۱۳۸۲).

بدیهی است که این کم توجهی در مراحل تحلیل و طراحی نیز انعکاس می‌یابد. توجه به مشارکت می‌تواند ضمن شناسایی مناسب فضا، از عناصر ارزشمند آن به عنوان نشانه‌ها، سمبل‌ها و نمادهای با ارزش بهره‌گیر و به طراحی مناسب و اصولی دست یازیده از آن برای بهبود کیفیت منظر روستایی بهره‌برد. اتفاقی که در عمل کمتر به حقیقت می‌پیوندد.

تحلیل و طراحی شبکه معابر

شبکه معابر به عنوان اسکلت کالبدی روستا از کارکردی چندگانه برخوردار است که هرگونه مداخله در آن می‌تواند بافت را دچار دگرگونی جدی ساخته و ساختار کالبدی روستا را در هم بریزد. تحلیل صحیح و متناسب با واقعیت‌ها و درک نیازهای مردم می‌تواند کمک شایانی به طراحی مناسب این عناصر کالبدی کند. این مهم هنگامی امکان‌پذیر است که به شیوه‌ای مناسب مشارکت مردم جلب شود. حال آن‌که بررسی نشان می‌دهد که تحلیل شبکه معابر چندان شایسته صورت نگرفته است.

به همین دلیل نیز طراحی شبکه معابر با واقعیت تفاوت جدی دارد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲). در صورت استفاده از ابزارهای مناسب مشارکتی در تحلیل و طراحی، این شبکه می‌تواند

واقع گرای

واقع‌گرایی، یا درک عینیت‌ها با مشارکت ارتباطی تنگاتنگ دارد. به همین دلیل با افزایش مشارکت میزان واقع‌گرایی طرح‌ها فزونی می‌یابد. ارزیابی طرح‌های هادی نشان می‌دهد که در این طرح‌ها ۶۰ درصد از واقعیت‌ها انعکاس می‌یابد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲). بدیهی است که چنین طرحی در صورتی که بتواند از توانایی‌های مشارکت مردمی در طراحی به معنای واقعی خود بهره‌مند شود، می‌تواند از توانمندی و توانایی‌های بیشتری برخوردار شود.

ضوابط و معیارهای طراحی بافت کالبدی

ضوابط و معیارهای طراحی بافت کالبدی روستایی باید متأثر از واقعیت‌ها و شرایط حاکم بر روستا باشد و بر اساس تفاوت‌های ماهوی محیطی، اجتماعی و اقتصادی روستا، این ضوابط ارائه شود. در حالی که ضوابط بیشتر متأثر از ضوابط شهری است و آنچه با این عنوان ارائه می‌شود گاه متفاوت از آن چیزی است که در روستاها عینیت دارد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲). بهره‌مندی از مشارکت می‌تواند بستر ارتقای کیفی ضوابط و تطبیق بیشتر با شرایط زمانی و مکانی را فراهم سازد.

اولویت‌های اجرایی

طراحی کالبدی به اقدامات اجرایی تبدیل می‌شود که بر حیات مردم مؤثر است. بدیهی است برنامه اجرایی متأثر از اولویت‌بندی ارائه شده در طرح هادی است. مشارکت بی‌تردید منجر به شناسایی و تحلیل نیازهای مردم شده است و در اولویت‌بندی بازتاب می‌یابد. بررسی انجام شده نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از طرح‌های مورد بررسی فاقد اولویت‌بندی بوده و ۵۰ درصد دارای اولویت‌بندی نیز به نحو شایسته‌ای اقدام نکرده‌اند (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲).

مدیریت اجرایی

مشارکت به مفهوم توانمند ساختن مردم است، به نحوی که مجموعه عوامل اثرگذار بر محیط زندگی خود را کنترل کنند. بدیهی است زمانی طراحی به محیط پایداری منجر خواهد شد که مردم آنرا پذیرفته و مدیریت کنند. اما بر اساس تفکر حاکم بر نظام برنامه‌ریزی بالا به پایین کمتر این مهم امکان بروز و ظهور می‌یابد. در طرح‌های هادی کمتر موضوع مذکور مورد توجه قرار گرفته و تأکید بر نهادهای بیرونی است تا مردم روستایی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲). این درحالی است که ۸۶/۵ درصد از جامعه مورد سؤال علاقه‌مند به مشارکت در کلیه مراحل طرح بوده‌اند. در این میان ۳۴/۴ درصد حاضر

به مشارکت در مرحله طراحی، یا مشارکت فکری، ۱۲ درصد به مشارکت نیروی انسانی و ۶/۲ درصد مشارکت مالی و ۴۹/۵ درصد نیز علاقه مند به مشارکت همه جانبه (هرسه مورد) بوده‌اند (عظیمی و جمشیدیان، ۱۳۸۴). حاصل تعامل و مشارکت با مردم در طرح‌های هادی روستایی منجر به شکل‌گیری سه رویکرد می‌شود:

الف- رویکرد رویارویی: که در آن مشارکت شکل نگرفته و منجر به کنش متقابل دستگاه مجری و مردم شده است. که نتیجه آن افت در تأثیرگذاری و کارایی، کاهش وجهه اجتماعی نهاد محلی و نتیجه باخت - باخت است.

ب- رویکرد رویگردانی: که طی آن بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی به طرح، آرمان‌های طرح را دچار چالش می‌کند و آثار قابل قبولی را برای جامعه میزبان به بار نیاروده و طراحی و برنامه‌ریزی صورت گرفته خشک و غیر منعطف است.

ج- رویکرد روی‌آوری: منجر به پذیرش طرح، نگهداری از دستاوردهای آن و افزایش کارایی و تأثیر ماندگارتر طرح شده است. با وجود رویکرد توسعه برونزا، زمانی که بر توان و توانایی مردم روستا تکیه شده است انجام طرح منجر به توانمندی و بالندگی نهاد محلی و روستاییان شده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶).

با توجه به مجموع شرایط باید پذیرفت که مشارکت حتی در شکل نارسای موجود، می‌تواند بستر مناسبی را برای بالندگی فراهم ساخته، نقش مؤثری در پایداری محیط روستایی ایفا می‌کند.

پیشنهادها

امروزه به دلایل مختلف، فضاهای روستایی دچار تحول شده و دگرگونی‌های شدیدی را تجربه می‌کند. همزمان، انواع مداخلات برونزا بر شدت این تغییرات می‌افزاید که می‌تواند بستر ساز ناپایداری محیط روستایی شده و آنرا دچار آشفتگی سازد. این تحولات حاصل رفتارها و تصمیمات نقش‌آفرینان مختلفی است که هر یک در جست‌وجوی منافع خاص خود هستند. این شرایط باعث شده است تا در سیمای سرزمین، ارزش‌های طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی همانند زیبایی طبیعی، روح و هویت طبیعی مکان و مانند آنها روندی فرساینده را تجربه کنند.

بدیهی است که طراحی می‌تواند با بهره‌مندی از نگرشی کل‌گرا، در تعامل متقابل با محیط طبیعی، منافع متضاد افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را دریاورد و سرانجام با درک یکپارچگی میان اجزای سیستم

- ۱- آموزش و ترویج فرهنگ مشارکت‌پذیری و مشارکت جویی؛
- ۲- آشنایی با اصول و مدیریت مشارکت؛
- ۳- آموزش روش‌های مشارکتی و بومی سازی آن؛
- ۴- تشویق و ایجاد انگیزه‌های لازم برای استفاده از روش‌های مشارکتی در طراحی منظر روستایی. مجموع این شرایط می‌توانند زمینه استفاده از مشارکت با تأکید بر روش‌شناسی خاص آن به عنوان رویکردی برای بهبود منظر، ارتقای کیفیت محیط و پایداری منظر روستایی را فراهم سازند.

یادداشت‌ها

- 1-Holistic
- 2-Cultural Landscape
- 3-Defined landscape designed and created intentionally by man
- 4-Organically evolved landscape
- 5-A relict (or fossil) landscape
- 6-Continuing landscape
- 7-Associative cultural landscape
- 8-Empowerment
- 9-Tokenism
- 10-Minimal participation
- 11-Participation for material incentives
- 12-Interactive participation
- 13-Self-mobilization

در سطوح مختلف، بستر پایداری محیط را فراهم سازد. علاوه بر آن دستیابی به پایداری مستلزم ایفای نقش افراد و گروه‌های مختلف است که مشارکت را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. مشارکت از این توان و توانایی برخوردار است که بتواند فضا و بستر مناسب برای این همگرایی را فراهم سازند. از سوی دیگر طراحی صرفاً فعالیت فیزیکی نیست بلکه ترجمان محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی فضای روستایی است. مشارکت ابزار این ترجمان به شمار می‌آید. مشارکت با ایجاد فضای مناسب، بستر آموزش، تسهیم دانش، دسترسی به دانش محلی، تعدیل منافع فردی به منظور منافع گروهی؛ که در گرو پایداری محیط است؛ کاهش تضادها، مدیریت کارا و منعطف‌تر و افزایش مشروعیت، استفاده از دانش ویژه محیطی را فراهم می‌سازد.

مجموعه این عوامل باعث می‌شود که به مشارکت به عنوان روشی برای طراحی پایدار نگریسته شود. بنابراین با وجود مشکلات ذاتی و چالش‌های مشارکت، به‌کارگیری آن فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند تا حداقل فرسایش طبیعی و زیبایی‌شناسانه محیط تعدیل، با افزایش دانش و آگاهی و ایجاد تعلق خاطر مکانی، فشارهای وارده اندکی کاهش یابد. با به‌کارگیری دانش بومی، هویت مکانی - فضایی و ارزش‌های محلی محیط کمتر دچار تحول شده و سرانجام منجر به شکل‌گیری نهادها و نهادهای شدن الگوهایی شود که در پایداری محیط مؤثرند. دستیابی به این موارد یادشده نیازمند اقدامات زیر است:

منابع مورد استفاده

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. ۱۳۸۲. ارزیابی تهیه طرح‌های هادی روستایی (جلد ۴)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. ۱۳۸۶. ارزشیابی اجرای طرح‌های هادی روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران

راهب، غ. ۱۳۸۶. درنگی در مفهوم روستا، محیط‌شناسی، شماره ۴۱، بهار، صص ۱۰۵-۱۱۶

سعیدی، ع. ۱۳۸۷. الزامات محیطی مداخله در سکونتگاه‌های روستایی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران، صص ۳-۱۸

عظیمی، ن.ا.، جمشیدیان، م. ۱۳۸۴. بررسی آثار کالبدی اجرای طرح‌های هادی روستایی، مطالعه مورد غرب گیلان، هنرهای زیبا، شماره ۲۲، تابستان، صص ۲۵-۳۴

علی‌الحسابی، م. ۱۳۸۷. حلاوت‌های طراحی روستایی، مبانی مداخله در محیط کالبدی سکونتگاه‌های روستایی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، صص ۱۹-۲۴

American Planning Association, (APA). 2006. Planning and Urban Design Standards, Johan wiely.

- Antrop, M. 2005. Why landscapes of the past are important for the future, *Landscape and Urban Planning* 70, pp. 21–34.
- Bamberger, M. 1988. *The Role of Community Participation in Development, Planning and Project Management*, EDI, World Bank.
- Bass, S. 1995. *Participation in strategies for sustainable development*, international institute for Environment & Development.
- Beebejaun, Y. 2006. *The Participation Trap: The limitation of Participation for Ethnic and Racial Groups*, *International Planning Studies*, Vol 11, No.1 , pp. 3-18.
- Buchecker, M., M., Hunziker, F., Kienast. 2003. *Participatory landscape development: overcoming social barriers to public involvement*, *Landscape and Urban Planning*, 64, pp. 29–46.
- Buchecker, M., F., Jacqueline, C., Hoppner. 2007. *Assessing psycho-social effects of participatory landscape planning*, *Landscape and Urban Planning* 83, pp. 196-207.
- Buchy, M., S., Hoverman. 2000. *Understanding Public Participation in Forest Planning a Review*, *Forest Policy and Economics*, pp. 15-25.
- Carroll, J.M. and M. B., Rosson. 2007. *Participatory design in community informatics*, *Design Studies* 28, pp. 243- 261.
- Chambers, R. 1994. *Participatory Rural Approach Challenge, Potentials and Paradigm*, *World Development*, Vol. 22, No 10, pp. 1437-1454.
- Christians, B., et al. 2006. *Tyranny/ Transformation: Power and Paradox in Participatory Development*, *Qualitative Social Research*, Vol. 7, No. 2.
- Commission of Spatial Development in Baltic Sea Region. 1998. *Spatial Planning For Sustainable Development In Baltic Sea Region*.
- Council of Europe. 2000. *the European landscape convention*. Strasbourg.
- ECLA (Economic Commission for Latin America). 1973. *Popular Participation In development*, *Community Development Journal*, Oxford, Vol.8 No3. pp. 77-92.
- Eklund, L. 1999. *From Citizen Participation to Community Empowerment*, University of Tampere.
- Guaraldo, Ch., B., Marisa. 1996. *A Ladder of Community Participation For Under development Countries*, *Habitat*, Vol. 20 No 3, September 1996, Pp. 431-444
- Kelley, K.H., V., Vlaenderen. 1995. *Evaluation, Participation Processes in Community Development , evaluation and Program Planning* Vol. 18, No. 4, pp. 371-383.

- Kohen, j. & Uphoff, N.T. 1979. Feasibility and application of rural Development, participation, A State Of The Art Paper, Cornell University.
- Linehan, J. R., G. ,Meir.1998. back to the future, back to basics: the social ecology of Landscapes and the future of landscape planning Landscape and Urban Planning, Vol.42, Issues 2-4. 7, pp. 207-223
- Luz, F. 2000., Participatory landscape ecology, A basis for acceptance and implementation Landscape and Urban Planning, 50, pp. 157-166.
- Marcucci, D.J. 2000. Landscape history as a planning tool, Landscape and Urban Planning 49, pp. 67-81.
- Matthies, E. , D.,Krumker. 2000. Participatory Planning , a heuristic for Adjusting Interventions to the Context, Journal of Environmental Psychology Volume 20, Issue 1, pp. 65-74.
- Meekes,H., W.,Vos .1999. Trends in European cultural landscape development: perspectives for a sustainable future .Landscape and Urban Planning 46, pp. 3-14.
- Michener,J.V. 1998. The Participatory Approach, Contradiction and Co – Option in Burkina Faso, World Development, Vol. 26, No12, pp. 2105-2118.
- Nicholas, L. 2002. Participatory program planning: including program participants and evaluators, evaluation and program planning, Vol. 25, Issue 1, February, pp. 1-14.
- Omiya, J. 2000. Citizen Participation for Good Governance and Development at local level in Kenya, Regional Dialogue, Vol. 21, No1, pp 198-212.
- Pears, A., M., Stiefel. 1979. Inquiry into participation; A Research Approach, Genève, UNRISD.
- Pijnenburg, B., I.,Nhantumbo. 2002. Participation Development Intervention In Mozambique, Development in Practice, Vol. 12, No.2. Vol. 12, No. 2, pp. 192-199
- Rahman, M.D.A. 1981. Concept of an Inquiry, in development, Seeds Of Change, Rome, SID.
- Rössler, M. 2003. Linking Nature and Culture: World Heritage Cultural Landscapes, World Heritage, UNESCO.
- Sammuel, P. 1987. Community Participation in Development Projects, World Bank.
- Sanoff,H. 2007. Special issue on participatory design, Design Studies, Vol. 28, Issue 3, pp. 213-215.
- Santos, R.and et al. 2006. Stakeholder participation in the design of environmental policy mixes, Ecological Economics, 60, pp. 100-110.
- Scharma, C. K. 2000. Popular Participation For Good Governance and Development at local level, the case of Botswana, Regional Development Dialogue, Spring Vol. 21, No1, pp.177-191.
- Selaman, P. 2006. Planning at Landscape scale, Rutledge.

Stenseke, M. 2009. Local participation in cultural landscape maintenance: Lessons from Sweden, Land Use Policy. No 26, pp. 214–223.

Story, D. 1999. Issue of Integrated Participation and Empowerment The Case of Republic Ireland, Journal Of Rural Studies, Vol. 15. No3, pp. 307-315.

Uma,L. 1975. The Design Of rural Development, Baltimore, Johns Hopkins University Press.

United Nation. 1990. participatory Rural Development in Selected Countries, Emergency Committee on Integrated Rural Development for Asia & Pacific, United Nation.

Vaccaroa,I. , K.,Norman. 2008. Social Sciences and landscape analysis: Opportunities the improvement of conservation policy design, Journal of Environmental Management, Volume 88, Issue 2, pp. 360-371